

ادامه از صفحه ۵

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی راهکار راهبردی در دوره پساتحریم

هرچند رئیس‌جمهور روحانی در آخرین اظهارنظر خود بر این نکته تأکید کرد که برای رسیدن به رونق اقتصادی باید تسهیلات لازم را فراهم کرد و شرایط کسب‌وکار را بهبود بخشید تا بتوان انواع سرمایه‌های داخلی و خارجی را جذب کرد.

درحال‌حاضر، انتظار از حضور بخش خصوصی در اقتصاد کشور رو به فزونی گذاشته است؛ برخلاف سه دهه پیش که گفت‌وگو برای حضور بخش خصوصی شاید جرم محسوب می‌شد و به نوعی در محفل روشنفکران و کارگزاران اقتصادی کشوری جرئت نبود تا از سرمایه‌داری و بخش خصوصی دفاعی صورت گیرد. امروزه، اگر کسی برخلاف آن صحبت کند، متهم می‌شود.

امروزه سیاست‌گذاران برای حضور بخش خصوصی در اقتصاد با عزمی جزم به‌دنبال تحقق این تحول زمانه هستند که به فرد و اقتصاد خصوصی توجه بیشتری شود تا رقابت فردی از محلیه آدم اسسمت و چنان مبنارد کینز، پدراهای دوگانه اقتصاد مدرن به عنینت باور عمومی برسد. در ایران نیز حضور بخش خصوصی و برنامه‌ریزی بر محور آن اقدامی بسیار ارزنده و نویدبخش تحول اقتصادی در تعامل با عرصه بین‌المللی است؛ گرچه حضور بخش خصوصی در اقتصاد ایران همراه با نوعی بیماری واسطه‌گری توأم بوده است. همان گونه که اقتصاد دولتی از آغاز بیمار متولد شده است، گفته شده است نسبت اقتصاد دولتی در ایران به ۸۳ درصد می‌رسد و بعضی نیز حضور دولت را در عرصه اقتصاد به ۹۳ درصد هم می‌رسانند و مابقی آن یعنی ۱۷ درصد به بخش خصوصی و تعاونی تعلق دارد. این نسبت در حالی است که در کشورهایی مانند آلمان ۹۲ درصد فعالیت‌ها به اقتصاد بخش خصوصی و هشت درصد به اقتصاد بخش دولتی، در مازنی ۸۳ درصد فعالیت‌ها به اقتصاد بخش خصوصی و ۱۷ درصد به اقتصاد بخش دولتی یعنی درصد فعالیت‌های اقتصادی به بخش ایالات‌متحده آمریکا ۹۶ درصد فعالیت‌ها به اقتصاد بخش خصوصی و صرفا چهار درصد به اقتصاد بخش دولتی تعلق دارد. مقایسه این نسبت‌ها در حالی است که در اقتصاد اتحاد شوروی سابق ۹۶ درصد فعالیت‌های اقتصادی به دولت تعلق داشت و حدود چهار درصد فعالیت‌های اقتصادی به بخش تعاونی و خصوصی واگذار شده بود. این نسبت‌ها تماما نشان می‌دهد اقتصاد ایران به دلایل گوناگونی در سیطره دولت قرار داشته و همواره در اکثر موارد در مدیریت، هدایت و اجرای عملیات اقتصادی نقش اساسی را ایفا می‌کرده و مدیران دولتی بوده‌اند که متولی اداره بخش خصوصی بوده‌اند. درست مثل آنکه مردان از جایگاه زان در جامعه هدف دفاع کنند. مقایسه نسبت ۸۳ به ۱۷ درصد گویای خیلی از واقعیت‌ها برای شناخت توان بخش خصوصی در کشور است و به‌واقع نشان از عدم‌توانایی بخش خصوصی دارد. بخش خصوصی که شاید دولتیان اقتصاد که سال‌ها مدیر دولتی بوده‌اند زیاد برخلاف ظاهر رفتار خود رغب به فعالیت‌شان نباشند. بعد از گذشت چند سال از اجرای سیاست‌های اصل۴۴ قانون اساسی هنوز به بند الف آن یعنی بازکردن عرصه برای فعالیت بخش خصوصی و تعاونی بی‌توجهی می‌شود تا جایی که نتوانسته آن نشاط و اشتیاق لازم را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایجاد کنند؛ یعنی شرکت‌های خصوصی پیاپی‌های اطمینان‌بخشی از فضای کسب‌وکار برای تولید دریافت نکرده‌اند. این نشان می‌دهد دولت هنوز به‌عنوان بزرگ‌ترین بازیگر در صحنه اقتصاد حضور دارد. در اینکه کارها باید به بخش خصوصی واگذار شود هیچ تردیدی وجود ندارد تا جایی که الزاما پس از تأیید رژیم تجاری ایران در هیات دولت برای ارائه به سازمان تجارت جهانی (WTO) اقتصاد ایران به سمت اقتصاد خصوصی؛ یعنی واگذاری اقتصاد به مردم خواهد رفت و زمینه‌های این حرکت با ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی به درستی آماده شده است. ولی این نکته قابل ذکر است که به‌لحاظ سابقه تاریخی، باید بیش از پیش این توان و هویت را برای بخش خصوصی کشور فراهم کرد و با برگزاری همایش‌هایی، هویت و باور بخش خصوصی را باوجود سابقه منفی تاریخی آن باز نمایاند تا مردم بیش از پیش به این باور مهم برسند که متولی اقتصاد ملی بخش خصوصی و مردم‌اند و دولت باید صرفا نقش هدایتی و نظارتی و حاکمیتی را داشته باشد.

استاد دانشگاه و کارشناس اقتصادی

خبر

هند: واردات نفت از ایران را افزایش می‌دهیم

● ایستا: وزیر نفت هند گفت: به ایران اعلام کرده‌ایم هر زمان تحریم‌ها لغو شود، آماده افزایش واردات نفت از این کشور هستیم. به گزارش ایستا دارمندرا پراده‌ان، وزیر نفت هند، در پاسخ به این سؤال که آیا پس از لغو تحریم‌های ایران، هند واردات نفت خود از این کشور را افزایش می‌دهد؟ گفت: به اندازه کافی به ایران اعلام شده که اگر هر پیام مثبتی از گفت‌وگوهای هسته‌ای حاصل شود، ما آماده اقدام در این زمینه هستیم.

● در دولت احمدی‌نژاد بانک‌های داخلی وارد قراردادهای و پروژه‌های نفتی در قالب EPCF شدند؛ درواقع بانک‌ها علاوه بر تأمین مالی، اجرا و عملیات پروژه را نیز بر عهده گرفتند. به نظر شما دلیل اصلی چنین تصمیمی چه بود؟

در حوزه نفت اگرچه بسیاری از آقایان به‌دنبال تأسیس بانک نفت بودند اما بالاخره شرکتی با نام نیکو در خارج از کشور تأسیس شد که همان وظیفه تأمین مالی را بر عهده داشت.

نیکو به‌عنوان یک پایلوت و مدل در نفت آغاز به‌کار کرد و در همین حد نیز از زمان تأسیس ۳۸ پروژه داخلی مثل فازهای یک، دو، شش، هفت و هشت پارس جنوبی دارخوین، چهار و پنج را با همکاری بین‌المللی با شرکت‌های بزرگی چون «انی»، اسنات اوپل و... تأمین مالی کرد. اما متأسفانه به‌دلیل سیاسی‌کاری‌ها به جای اینکه با تکثیر نیکو در بازار و نهاد مالی رقابت ایجاد کنند، آن را کنار گذاشتند، همان آدم‌هایی که روزی مؤسس نیکو بودند و همیشه اصرار به حفظ نقش تأمین‌کننده مالی را بدون اینکه نیکو وارد عملیات پروژه شود ایفا می‌کردند، نهادهای انرژی را در قالب بانک‌ها پیشنهاد دادند، با این فلسفه که راهبر پروژه باشند و به‌صورت EPCF آن را اداره کنند و بزرگ‌ترین اشتباه هم همین‌جا بود و حتی بسیاری از شرکت‌های قدر ایرانی که قبلا قرار بود خیلی از پروژه‌ها را اجرا کنند و حتی قراردادهای مربوطه را امضا کرده بودند را کنار گذاشتند.

● پس دلیل اصلی، رقابت با نیکو بود؟

بله و علاوه بر آن سواستفاده‌های مالی؛ دقیقا شروع این کار با بانک ملت بود که چهار فاز میدان گازی کیش با ۱۰ میلیارد دلار برای این بانک تعریف شد. ● **ظاهرا آن زمان توسعه این میدان در اختیار نیکو بود. درست است؟**

بله، توسعه یک فاز این میدان در اختیار نیکو قرار گرفته بود و از محل سپرده‌های بانک مرکزی و امضای وزیر نفت، رئیس بانک مرکزی و معاون اول رئیس‌جمهور ۲۰۲ میلیارد دلار از بانک گرفته شده بود تا به ۵ پروژه فاز ۱۲ پارس جنوبی، آن‌چال خارک، پالاشگاه ستاره خلیج‌فارس و توسعه کیش تخصیص داده شود و حتی ۲۵۰ میلیون دلار هم به این پروژه تزریق شد. در آن زمان بنده به‌عنوان مدیرعامل وقت نیکو نامه‌نگاری‌های زیادی با نفت انجام دادم که از نظر حقوقی شرکت نیکو به دلیل ثبت به‌عنوان یک شرکت خارجی محسوب می‌شد، بنابراین قرارداد بیع متقابل را به امضا رساند، در نتیجه لغو یک‌مرتبه آن غیرقانونی است. بنده حتی مدعی بازگشت پول نیز نشده‌ام.

● **این نامه‌نگاری‌ها نتیجه‌ای هم دربرداشت؟**

تا زمانی‌که بنده مدیرعامل نیکو بودم، خبر بالاخره هم کار را از ما گرفتند و به بانک ملت سپردند. ● **آیا پول هزینه‌شده نیکو به این شرکت برگردانده شد؟**

تا زمانی که بنده مدیرعامل شرکت نیکو بودم خیر. از اتفاقات بعد از آن هم بی‌خبرم.

● **به نظر شما ورود بانک ملت به پروژه‌های نفتی در قالب EPCF اقتصادی بود؟** شخصا معتقدم سر بانک ملت در این مسئله کلاه گذاشتی رفت. به دلیل اینکه همه ریسک عملیاتی را به بانک ملت منتقل کردند، درحالی‌که در قراردادهای نیکو هیچ ریسکی متوجه ما نمی‌شد.

● **چاپور؟**

در قراردادهای بیع متقابل، یک کنسرسیوم متشکل از اعضای عملیاتی و غیرعملیاتی تشکیل می‌شود که هرکدام نقش خود را دارند. شرکتی که تأمین مالی را بر عهده دارد، عضو غیرعملیاتی است و دیگری به ریسک‌های پروژه کاری ندارد و فقط سالی یک بار جلسات شرکت برنامه جامع یک‌ساله را تصویب و در پایان هم‌سود خود را برداشت می‌کند. البته این کلاه فقط سر بانک ملت نرفت. بانک سپه هم با واردات دکل وارد این عرصه شد تا شاید از بانک ملت عقب نیفتد. این بانک به فاز سه دارخوین وارد شد. درحالی‌که ما با «انی» برای اجرای این فاز صحبت کرده بودیم.

● **ظاهرا فازهای یک و دو این میدان را هم «انی» اجرا کرده بود؟**

بله، اتفاقا در شرایط تحریم مذاکره شده بود که «انی» فاز سه را هم در قالب قراردادهای دو فاز قبل آورد تا بتوانیم از این طریق تحریم را دور بزینم و بگویم که فاز سه در ادامه دو فاز قبلی است و قوانین جدید تحریم به آن تسری نمی‌یابد.

مطالعه اولیه برای ارزیابی مجدد آن هم در آن‌زمان انجام شده بود و مذاکرات در لوزان با مشارکت نودری، مدیرعامل شرکت ملی نفت ادامه داشت. حتی ما یک

چاه اکتشافی هم زده بودیم. به‌رحال آنچه از ورود بانک‌ها در پروژه‌های نفتی در قالب عملیات و تأمین مالی می‌توان برداشت کرد، آسیب جدی به یک تفکر و اندیشه درست در نظام بانکی بود؛ چراکه بانک‌ها از نقش خود بیرون آمدند و وارد بحث‌های فنی و عملیاتی نفت شدند.

● **بانک‌ها در این پروژه‌ها چگونه وارد فاز عملیاتی شدند؟**

بانک ملت در ایران یک شرکت عملیاتی با خرید یک ساختمان مجلل، استخدام مهندسان و ... و تبدیل به یک پیمانکار شد. با وجود آنکه قبل از بانک ملت کنسرسیومی متشکل از پیمانکاران و مهندسان مشاور خوب ایرانی مثل جهان‌نپارس و سازه و... قرار بود پروژه کیش را اجرا کنند و قرارداد داشتند، اما اینها هم کنار گذاشته شدند و بانک ملت خود جایگزین پیمانکاران

اقتصاد



قائم‌مقام اسبق شرکت ملی نفت در گفت‌وگو با «شرق»:

بانک‌ها در دولت احمدی‌نژاد بانفت چه کردند؟

آذر جزایری: تصور کنید صنایع دفاع وارد عرصه تجارت و بخش دو منظوره‌کردن صنایع دفاع شود و بخواهد این کار را با قوانین نظامی به نتیجه برساند و هیچ‌گونه اصلاح ساختار به‌عمل نیاورد. این توصیفی است که محمدجواد عاصمی‌پور از وضعیت ورود بانک‌ها به نفت در قالب پروژه‌های EPCF می‌کند. دولت احمدی‌نژاد پس از شدت‌گرفتن تحریم‌ها به‌دنبال تأمین مالی برای اجرای پروژه‌های نفتی بود. در انتها تنها راه‌حل به‌ذهن‌رسیده، ورود بانک‌ها در قالب صندوق‌های انرژی یا (ENERGY FUND) به مرحله اجرای پروژه‌هایی بود که به دلیل مهارت تخصصی‌اش از ریسک بسیاربالایی برخوردار است. محمدجواد عاصمی‌پور‌ها روزها مدیرعامل شرکت نیکو بود و اولین صدمات این تصمیم بر او و یارانش وارد شد. ازاین‌رو، عاصمی‌پور اولین کسی است که می‌تواند درخصوص ورود بانک‌ها به عرصه انرژی صحبت کند. هرچند که وی از خاطرات تلخی می‌گوید که منجر به زیان بانک‌ها و کوشه‌نشینی نیکو شد.

ملت علیه نفت که در حال بررسی در دادگاه است. ● **ماجرای این شکایت چیست؟** آقای قاسمی که بر مسند مدیریت وزارت نفت تکیه می‌زند، قرارداد میدان گازی کیش با بانک ملت را فسخ می‌کند و درحال‌حاضر بانک ملت در این خصوص به دلیل هزینه‌های صورت‌گرفته مدعی پرداخت خسارت است. درحالی‌که بنده گلایه دارم چرا یک نفر نیست که پرونده کیش را از ابتدا تاکنون بررسی کند و ببیند چه بلایی سر این پروژه آمده است و چه کسانی مقصرند؟! ● **پیشنهاد شما در شرایط فعلی چیست؟** پیشنهاد در دو مورد است. اول اینکه برای نیکو

شد یا بانک سپه و بانک صادرات و... هم مانند بانک

ملت شرکت‌های پیمانکاری و حفاری درست کردند و

بعد همه جمع شدند و قراردادهای آنها لغو شد.

● **به نظر شما رقابت بانک‌ها در این عرصه به آنها هم صدمه وارد کرد؟**

بله، اتفاقا دومین آسیب جدی به بانک‌ها در پی این تصمیم، همان رقابت ناسالمی بود که بین بانک‌ها رواج پیدا کرد.

متأسفانه به جای اینکه بانک‌ها در اجرای پروژه بیزرگی، یک کنسرسیوم مالی تشکیل دهند و ریسک را مابین خود تقسیم کنند، شروع به رقابت کردند؛ درحالی‌که هیچ‌گونه تخصص عملیاتی هم نداشتند.

این تصمیم بانک‌ها مثل این بود که صنایع دفاع بخواهد کاری غیرنظامی اما با مقررات نظامی انجام دهد. بانک‌ها در کنار کار بنگاهداری خود وارد عرصه وسیعی به نام پروژه‌های نفتی شدند که این بخش فرهنگ و ادبیات خاص خودش را داشت. همان اتفاقی که در بانک‌ها، در اداره بنگاه‌های اقتصادی رخ داد و دولت خوشبختانه مانع آن شد.

● **منظور شما این است که بانک‌ها می‌خواستند نفت را بدون استفاده از قوانین نفتی و چارچوب‌های آن با قوانین بانکی اداره کنند؟** دقیقا، بانک‌ها برای پروژه‌های نفتی که در فهرست پروژه‌های بین‌المللی قرار می‌گیرند باید مکانیسمی چون نیکو را اجرایی می‌کردند اما مکانیسم کار در شعبه مرکزی بانک‌ها با نگاه مدیران بانکی و کارشناسان آنها بی‌ریزی شد. مثل اینکه بانک‌ها در این میان وارد بازارهای جهانی نشدند تا ریسک خود را کم کنند و با همان نظام بانکی سعی بر اداره یک بازار بین‌المللی داشتند.

بنده حتی بارها آقای دیواندری (مدیرعامل اسبق بانک ملت) را ملاقات و به ایشان رسما اعلام کردم که این‌کار و این راه یک استراتژی شکست‌خورده است.

ما قبل از آن به‌عنوان شرکت نیکو پول را از بانک مرکزی می‌گرفتم و در طول پنج سال پول را پس می‌دادیم. این همان نمود عینی مشارکت بانک‌ها در پروژه‌های نفتی بود. با این تفاوت که دیگر بانک مرکزی دخالت در اجرای عملیات پروژه نداشت و خودش را درگیر ریسک اجرای چنین پروژه‌هایی نمی‌کرد.

● **پیشنهاد درست برای حضور بانک‌ها در صنعت نفت چه بود؟**

بانک باید با شرکت نیکو در بخش تأمین مالی مشارکت می‌کردند و ریسک کار را نمی‌پذیرفتند و درعین‌حال خود را درگیر مسائل اجرایی و بخش عملیاتی نمی‌کردند. این بهترین روش بود. این همان نامه‌ای بود که آقای دیواندری در ابتدا دنبال می‌کرد و در نامه‌ای به وزیر وقت مشارکت بانک ملت و نیکو را درخواست و وزیر نفت آن را به مدیریت نیکو برای اجرا ابلاغ کرد. لیکن مدیرعامل وقت نیکو این دستور دولتی را چون در حال تعویض بود، برای بعد از رفتن از نیکو برای خود یک کار خلق کرد و آن را خصوصی کرد و شرکت خصوصی به نام Pearl Energy را تشکیل داد و ۱۰ درصد سهام را هم گرفت.

همکاری‌ای که می‌توانست بین نیکو و بانک‌ها انجام شود، با تخلف یک شخص به چنین جایی می‌رسد. نتیجه همه این مسائل این شود ادعای بانک

رقیب در دست کنیم که از پنج سال پیش، همان زمانی که مدیرعامل بودم، پیشنهاد دادم کالای لندن را تبدیل به نیکو لندن کنیم. حتی از دو فاز هم بیشتر تکثیر کنیم. چون بازارهای جهانی به لحاظ جغرافیایی تقسیم‌بندی شده است و سوئیس یک بازار مالی بزرگ محسوب می‌شود که نیکو در آن قرار داشت. بنابراین ما حتی می‌توانیم چند نیکو در سراسر جهان داشته باشیم. ضمن اینکه نیکو نه‌تنها با بانک‌های جهانی باید تعاملات مالی داشته باشد بلکه بهتر است یک کنسرسیوم داخلی با بانک‌های داخلی تشکیل و از منابع مالی آنها هم استفاده شود.

دوم اینکه بانک‌های ما باید این کار را از چارچوب وجوه ساختماری خارج کنند و مانند نیکو که شرکتی کاملاً بین‌المللی است و به‌لحاظ مقرراتی به نفت ارتباطی ندارد، این کار را انجام دهند و نقطه اتصال این پروژه‌ها را به بانک اصلی یا شرکت مادر قطع کنند. درواقع مکانیسم اصلی خودش را حاکم کنند. ضمن اینکه باید از همین حالا وزارت نفت یک ساختار تکلیفی برای بخش مالی طراحی کند که بعدی می‌دانم تاکنون در این خصوص فکری شده باشد. بنابراین باید یک کنسرسیوم مالی با هدایت نیکو با بانک‌ها برای پروژه‌های مختلف تشکیل و نوع تأمین مالی اتکایی با نهادهای مالی بین‌المللی مانند سیمه‌های اتکایی تشکیل شود و صرفا عضو غیرعملیاتی پروژه‌ها وارد عمل شوند.

کار خوبی که آقای زنگنه در مناقصه پالایشگاه‌های کوچک انجام داد این بود که ابتدا ساختار تکلیفی را پشت پرده درست کرد و سپس مناقصه برگزار شد. بدون آنکه حتی بدانیم بانک ملت چه برنامه‌ای دارد پروژه را واگذار کردیم؛ در نتیجه عاقبت کار همین می‌شود که این‌کار مثل این است که ابتدا خصوصی کار کنیم و بعد به ساختار بعد از خصوصی‌سازی ببیندشیم. برای ساختار تکلیفی بعد از تحریم باید از همین حالا برنامه‌ریزی شود. باید توازن را چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ خارجی در کار ایجاد کنیم.

● **منظور شما تنظیم برنامه بعد از تحریم است؟**

بله، دقیقا نفت را نباید به حال خود رها کنیم. بالاخره این توافق صورت می‌گیرد و ما از همین حالا باید آمادگی نحوه تعاملات پس از آن را داشته باشیم به‌خصوص در صنعت نفتی که لیدر توسعه صنعتی ما بعد از تحریم خواهد بود. بنابراین باید این ساختار را جمعی اداره کنیم و به لحاظ تکلیف اعضای کنسرسیوم و ترکیب داخلی و بین‌المللی و جغرافیایی سیاسی جهانی از همین حالا وضعیت آینده را ترسیم کنیم. نباید دایمان برود که چین همان کشوری است که گرچه ادعای دوستی کرد اما به دستور آمریکا هم‌زمان با دیگر کشورها مانند ژاپن ۲۰ درصد واردات نفت از ایران را کاهش داد.

گزارش

گران‌فروشی خودروهای وارداتی تأیید شد

سود ۵۰۰درصدی واردکنندگان خودرو

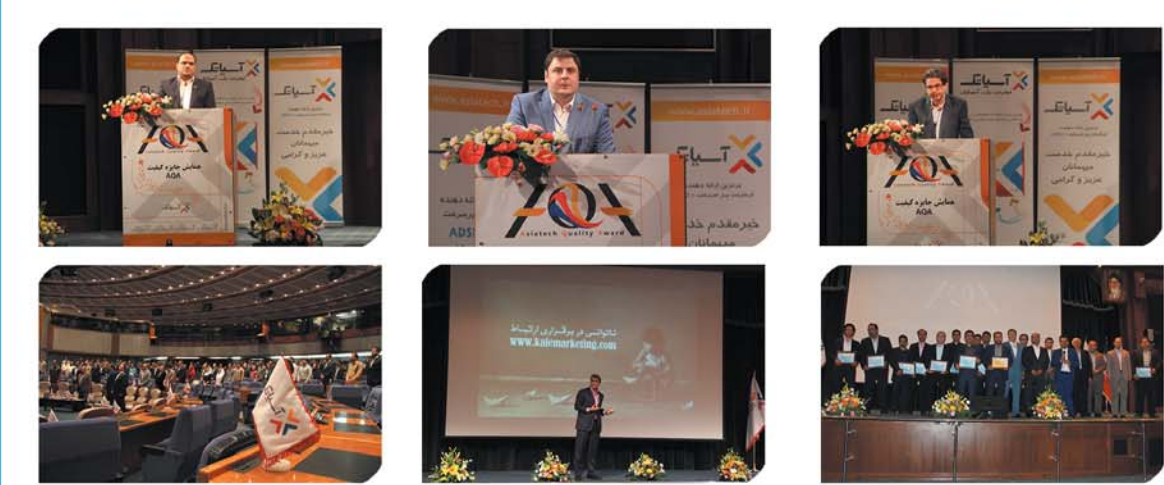
● رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس برخی گزارش‌ها مبنی بر گران‌فروشی شدید برخی نمایندگان‌های رسمی خودروسازان خارجی در ایران را تأیید کرد. در این زمینه یک کارشناس صنعت خودرو از درآمد هنگفت برخی نمایندگان‌های رسمی خودروسازان خارجی از ناحیه استفاده از پول پیش‌خریداران خودرو برای واردات این محصولات به ایران خبر داده بود. فرد زاوه اظهار کرده بود: «درحال‌حاضر بازدهی پول واردات یک مدل خودرو با تیراز بالا به کشور برای شرکت واردکننده آن، حدود ۵۰۰ درصد است. این به معنای آن است که شرکت واردکننده خودرو با استفاده از پول مردم، ۵۰۰ درصد بهره مالی می‌برد». محمد جعفری در این زمینه خاطرنشان کرده بود: «وقتی نمایندگان رسمی واردکننده خودرو با پول مردم خودرو را خریداری و وارد می‌کند، دیگر نباید به‌دنبال سودهای آن چنانی باشد و باید این محصولات را با قیمت کمتری عرضه کند». وی همچنین به این موضوع اشاره کرده بود که نمایندگان‌های رسمی خودروسازان خارجی به تعهدات خود برای تحویل خودرو در موعد مقرر عمل نکرده‌اند و خودرو فروخته‌شده را با تأخیر به خریداران تحویل می‌دهند که در این زمینه نیز باید با آنها برخورد شود. رضا رحمانی در این زمینه اظهار کرده است: «اطلاعات مستند واردکنندگان خودرو و آمار ارزهای مرجع و مبادله‌ای توسط آنها را از دستگاه‌های مسئول دریافت کرده‌ایم؛ براساس اطلاعات اولیه، گران‌فروشی شدیدی در برخی مدل‌ها و برندهای خودروهای وارداتی اثبات شده است.»

وی با انتقاد از عملکرد واردکنندگان خودرو خواستار نظارت جدی‌تر وزارت صنعت، معدن و تجارت بر عملکرد این شرکت‌ها شده و خاطرنشان کرده است: «قیمت خودروهای وارداتی در کشور مبدأ به اضافه هزینه‌های واردات آنها به داخل کشور، نشان می‌دهد واردکنندگان، سودهای کلانی روی هر دستگاه خودرو وارداتی به جیب می‌زنند و با بررسی برخی برندهای خودرویی این موضوع اثبات شده است. بنابراین لازم است وزارت صنعت، معدن و تجارت با جدیت بیشتری به این موضوع بپردازد». رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس از انتشار رسمی گزارش این کمیسیون از تخلفات واردکنندگان خودرو تا پایان تابستان سال جاری خبر داده است.

آسیاتک دومین همایش جایزه کیفیت آسیاتک (AQA) برگزار شد

شرکت انتقال داده‌های آسیاتک یکی از بزرگ‌ترین فعالان حوزه ICT در ارایه خدمات اینترنت پرسرعت ADSL2+ با این نگاه که دستیابی به قله‌های تعالی بدون در نظر گرفتن زنجیره تأمین و ارتقاء سطح کیفی نمایندگان، امکانپذیر نیست، بصورت سالانه جایزه ملی کیفیت آسیاتک (Asiotech Quality Award) را برگزار می‌نماید. هدف از این جایزه و ارزیابی‌های مرتبط با مدل جایزه کیفیت، ارزیابی عملکرد نمایندگان‌ها در دو حوزه توانمندسازها و نتایج حاصل از این توانمندسازی‌ها و بررسی نقاط قوت آنها و ایجاد زمینه‌های قابل بهبود آن می‌باشد. ساختار کلی این جایزه برگرفته از مدل‌های ارزیابی اپراتورهای برتر سازمان تنظیم مقررات (CRA) و ارزیابی جایزه ملی کیفیت (ICTINQA)، جایزه ملی تعالی سازمانی و استانداردها و راهنماهای سیستم‌های مدیریت می‌باشد که ارزش آفرینی برای مشتریان، بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری، رهبری با چشم انداز، موفقیت از طریق کارکنان مستعد، دستیابی به نتایج چشم گیر و پایدار، مدیریت با چابکی و حرکت در مسیر استراتژی‌های آسیاتک را در دستور کار خود قرار داده است.

آسیاتک به عنوان یکی از حامیان تدوین پروانه جدید در کشور اعتقاد دارد با ورود تکنولوژی‌های جدید، رشد بزرگی در حوزه ارتباطات حاصل خواهد شد و دارندگان پروانه‌های ISP و ISDP و سایر پروانه‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری و شبکه وسیع FCP در کنار متعالی کردن تمام زنجیره ذینفعان بخصوص عوامل فروش، تاثیر بیشتری در رشد فناوری ارتباطات کشور داشته باشد.



پنل‌های ارایه شده در دومین همایش جایزه کیفیت آسیاتک

مهندس محمدعلی یوسفی زاده مدیر عامل آسیاتک: تعالی و حرکت در مسیر آن با متعالی کردن زنجیره ذینفعان بخصوص عوامل فروش با احترام به موازین کیفیت.

مهندس حسین علیمحمدی معاونت کسب و کار آسیاتک: توجه به پایه‌های کسب و کار و عمل کردن به ارزش‌های آسیاتک.

مهندس محمد صالحی نژاد معاونت واحد توسعه کیفیت و تعالی: ساختار برگزاری جایزه کیفیت در سال ۹۳

مهندس رضا خمیس آبادی مدیر امور فروش نمایندگان آسیاتک: ارایه گزارش تلاش‌های تقدیر از نمایندگان فعال در قالب پاسخگویی مشترکین در کنار خدمات

مناسب و رضایت کاربران در گرو پشتیبانی عالی فنی در لایه شبکه و برنامه فروش آسیاتک در سال ۱۳۹۴

دکتر محمده محمدیان دکترای تخصصی مدیریت بازاریابی: کارگاه فروش و نحوه فروش، برقراری ارتباط و ساختار فروش موثرگی

مهندس عرفانیان مدیر عامل شرکت پیشرو کیفیت: فرایند ارزیابی جایزه، گزارش نحوه اجرای ارزیابی، منطقی ارزیابی و روش ارزیابی‌ها.